

پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز

محمد باصری^۱، محمدرضا رستگار^۲، احسان طالبی^۳، مصطفی مزارعی^۴

دریافت: ۹۸/۴/۱۸

پذیرش: ۹۸/۵/۲۷

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر شیراز بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری پژوهش حاضر متشکل از ۲۰۰ نفر بود که نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. به این صورت که از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز، ناحیه ۲ و ۴ به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر ناحیه دو دبیرستان متوسطه دوم پسرانه و دو دبیرستان متوسطه دوم دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شد و از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و پرسشنامه‌های هوش اجتماعی ترومسو، عملکرد تحصیلی فام و تیلور و پرسشنامه سبک‌های مطالعه مارتون و سلجو روی آنان اجرا شد و داده‌ها با استفاده از رگرسیون به روش هم‌زمان و گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک مطالعه با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. همچنین ابعاد علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با میزان سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. میزان عملکرد تحصیلی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبت دارد.

کلیدواژه‌ها: هوش اجتماعی، سبک مطالعه، عملکرد تحصیلی.

^۱ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، پرستل دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسئول، mohammadbaseri۳۵۳@yahoo.com

^۲ - کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

^۳ - کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

^۴ - کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

مقدمه

از وظایف اصلی آموزش و پرورش در هر کشور انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعداد های دانش آموختگان و آماده کردن آنان برای شرکت فعال در جامعه است؛ بنابراین آموزش افراد به منظور تصدی امور مختلف ضروری می نماید و مسئله موفقیت یا عدم موفقیت در امر تحصیل از مهم ترین دغدغه های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع است. موفقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف یابی و توجه به رفع نیاز های فردی است؛ بنابراین نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد و موفق دانست که عملکرد تحصیلی دانش آموزان آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رقم را داشته باشد (مرادی مقدم، ۱۳۹۰). اتکینسون^۱ و همکاران (۱۹۹۸؛ به نقل از سیف، ۱۳۹۲) عملکرد تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می دانند که به وسیله آزمون های استاندارد شده، اندازه گیری می شود.

عملکرد تحصیلی به موفقیت فراگیران در امور تحصیلی اشاره دارد که بر اساس آزمون ها قابل سنجش باشد (حقانی و خدیوزاده، ۱۳۹۴) و همچنین انجام دادن کاری است برای به دست آوردن نتیجه مطلوب و برتری و تفوق در یک مهارت یا گروهی از معلومات (شعاری نژاد، ۱۳۹۱). پیشرفت تحصیلی یعنی موفقیت در یادگیری دروس مدرسه ای وقتی فرد در یک موقعیت برنامه ریزی با هدف های مشخص تحصیل قرار می گیرد و در صورتی که بتواند به تمامی هدف های از پیش تعیین شده برسد، پیشرفت تحصیلی کامل دارد و در صورتی که به برخی از هدف ها برسد پیشرفت نسبی کسب کرده است (نسیم و همکاران، ۱۳۹۲). مهارت های مطالعه عبارت اند از مجموعه ای از مهارت های مطالعه که در سازمان دهی و به دست آوردن اطلاعات جدید، حفظ اطلاعات، یا برپایی آزمون نقش دارند. این روش ها عبارت اند از یادها و نکته برداری که در به خاطر سپردن فهرستی از اطلاعات، خواندن مؤثر و تمرکز کردن کمک می کنند (کرکت، پاریل و هین^۲، ۲۰۰۶). در حالی که مهارت های مطالعه اغلب به عهده خود دانش آموزان و پشتیبان های آن ها گذاشته می شوند، این مهارت ها، اخیراً به طور فزاینده ای در دبیرستان و دانشگاه تدریس می گردند.

کتاب ها و وبسایت های بسیاری در این مورد، موجود می باشند. آثاری در مورد روش های خاص، مثل کتاب های نقشه ذهنی تونی بوزان که راهنمایی های کلی در مورد مطالعه موفق ارائه می دهد تا راهنمایی های کلی مطالعه موفق مثل آثار استلا کوترل و آشنایی با روش های یادگیری و مهارت های مؤثر یادگیری نوشته رسپیشس رومبیا، در سطح وسیع تر، هر مهارتی که توانایی فرد را در مطالعه و قبولی در امتحانات افزایش می دهد می تواند مهارت مطالعه نامیده شود، این موارد می توانند شامل مدیریت زمان و روش های انگیزشی باشند (صفوی، شوشتری، محمودی و یار محمدیان، ۱۳۹۰). مهارت های مطالعه روش های جداگانه ای هستند که معمولاً در زمان کوتاه و در تمام یا بیشتر زمینه های مطالعه می توانند آموخته شوند؛ بنابراین باید آن ها را از روش های خاصی که به یک زمینه خاص از مطالعه مربوط هستند، مثل موسیقی یا فناوری و توانایی های ذاتی دانش آموزان، مثل جنبه های هوشی یا شبکه های یادگیری، تمیز داد (ایپ و چانگ^۳، ۲۰۰۵). علاوه بر این عاملی که احتمالاً می تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیر گذار باشد هوش اجتماعی است. در مسیر تحولات زندگی اهمیت هوش اجتماعی به عنوان یک عامل برای سازگاری مناسب با تحولات بیشتر مشخص شده است و در این میان توانمندی های صرفاً عقلایی دیگر نمی توانند پیش بینی کننده خوبی برای موفقیت در زندگی و تحصیل باشند. هوش اجتماعی به ما می گوید که چگونه از هوش برای موفقیت در امر تحصیل استفاده کنیم. هوش اجتماعی به ما در جهت شناخت احساسات خود و دیگران، مهارت کافی در ایجاد روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت پذیری در مقابل وظایف کمک می کند. هوش اجتماعی یعنی توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانش ها، عاملی که هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص ایجاد اندیشه و امید می کند (تراسی^۴، ۲۰۰۶). در نظام آموزشی ما مشکل اصلی فراگیران به ویژه دانش آموزان، در فرآیند یادگیری از عدم آگاهی دقیق و عمیق از شیوه های

^۱ - Atkinson

^۲ - Corkett, Parrila, Hein

^۳ - Yip & Chung

^۴ - Tracy

صحیح یادگیری و ناامیدی زود هنگام به هنگام مواجهه با مشکلات ناشی می‌شود (شعبانی و شفیق پور، ۱۳۹۰). وانجیرا^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر هوش اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی به این نتیجه رسید که هوش اجتماعی نقش مهمی در انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. والدینی که نگرش مثبتی به امور تحصیلی فرزندان خود دارند، فرزندانشان از انگیزه و موفقیت تحصیلی بیش‌تری بهره‌مند هستند. کونراد، مینگل، و تالانو^۲ (۲۰۱۴) تحقیق تحت عنوان «رابطه هوش اجتماعی و سبک‌های هویت با عملکرد تحصیلی» به این نتیجه رسید که سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری دارند. همچنین نتایج نشان داد بین سطوح هوش اجتماعی با میزان عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. گاردنر، فرناندو، ایملی، مارثا^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین سبک‌های مطالعه با خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی» به این نتیجه رسید که سبک‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی رابطه مثبتی دارد و منجر به افزایش عملکرد تحصیلی می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد سبک‌های مطالعه با خودکارآمدی رابطه مثبتی دارد و می‌تواند منجر به افزایش خودکارآمدی شود. جارامیلو، میولکی و مارشال^۴ (۲۰۱۵) تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین هوش هیجانی و انگیزه پیشرفت با عملکرد تحصیلی» انجام دادند. این پژوهش بر روی ۳۸۰ دانش‌آموز در آن کلام انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد و هوش هیجانی می‌تواند ۵۲ درصد تغییرات مربوط به عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کنند. همچنین بین انگیزه پیشرفت با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد و انگیزه پیشرفت می‌تواند ۴۸ درصد تغییرات مربوط به عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کنند. برونک، هیل، لپسلی، تالیب و فینچ^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سبک‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که سبک مطالعه می‌تواند انگیزه پیشرفت و همچنین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

گالاو و وود^۶ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان رابطه هوش اجتماعی و انگیزه تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نشان دادند که هوش اجتماعی می‌تواند عملکرد تحصیلی را در بین دانش‌آموزان پیش‌بینی کند، همچنین انگیزه تحصیلی بالا عملکرد تحصیلی بالا را پیش‌بینی می‌کند. شمس اسفندآبادی، امامی پور (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان «مطالعه سبک‌های یادگیری در دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه دوره راهنمایی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و جنسیت» انجام دادند. شامل ۲۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر دوزبانه کرد زبان، ۲۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر دوزبانه ترک‌زبان و ۲۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر یک‌زبانه فارسی‌زبان، به ترتیب، در شهرهای سنندج، تبریز و تهران اجرا شد و نتایج نشان داد که بین سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دوزبانه (ترک‌زبان و کرد زبان) و دانش‌آموزان یک‌زبانه (فارسی‌زبان) تفاوت وجود دارد، این گونه که دانش‌آموزان یک‌زبانه، در مقایسه با دانش‌آموزان دوزبانه، از سبک یادگیری شهودی و دیداری برخوردارند؛ در حالی که دانش‌آموزان دوزبانه، در مقایسه با دانش‌آموزان یک‌زبانه، سبک یادگیری حسی و کلامی دارند. بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. بین سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؛ به گونه‌ای که سبک یادگیری پسران از نوع دیداری و کلی است؛ در حالی که سبک یادگیری دختران از نوع کلامی و متوالی است. کیا و حیدری (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین هوش اجتماعی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان» انجام دادند. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و از روش‌های توصیفی و همبستگی به گردآوری داده‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۱۸۲۹ نفر دانشجوی بود که ۳۵۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از این جامعه انتخاب گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان هوش اجتماعی و تمام مؤلفه‌های آن با رشد تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، میانگین نمره دختران در مؤلفه‌های خودانگیزی و خودکنترلی هوش اجتماعی از میانگین نمره پسران در این مؤلفه‌ها بیشتر است، بین میانگین نمره پسران و میانگین

^۱ - Wanjira

^۲ - Konrad, Mengel, Vitaliano

^۳ - Gardner, Fernando, Emily, Martha

^۴ - Jaramillo, Mulki, Marshall

^۵ - Bronk & Hill & Lapsley & Talib & Finch

^۶ - Gala and Wood

نمره دختران در دیگر مؤلفه‌های هوش اجتماعی تفاوتی معنی‌داری وجود ندارد، میانگین نمره میزان رشد تحصیلی پسران و دختران تفاوت معنی‌داری ندارند.

روندهای کلی نشان می‌دهند که علاوه بر توانایی‌های شناختی، با آموزش مهارت‌های هوش اجتماعی و پرورش مؤلفه‌های آن در دانشجویان می‌توان مهارت‌های تحصیلی آنان را به میزان چشم‌گیری افزایش داد. خدای (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال ششم مقطع دبستان شهرستان گرمسار» انجام دادند. پژوهش وی باهدف بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع ششم دبستان انجام گرفته یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۵۰ دانش‌آموز مقطع ششم دبستان شهرستان گرمسار بودند که با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۳ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بین هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع ششم دبستان شهرستان گرمسار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که دو مؤلفه هوش اجتماعی، مؤلفه خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری دارای قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معنی‌داری بر روی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هستند. در پژوهش خدای مشخص شد بین هوش اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، بنابراین به‌منظور رسیدن به سطح بالایی از مهارت‌های تحصیلی، علاوه بر توانایی شناختی کلی، فرد باید به رشد مناسب در جنبه‌هایی همچون کنترل هیجانات و عواطف دست یابد. در این راستا، این پژوهش سعی دارد، هوش اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز را بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی آنها پیش‌بینی کند. تا به بهبود فرآیند یادگیری و آموزش کمک کند و زمینه بالندگی فرزندان این مرزوبوم را فراهم کند و همچنین از تحمیل هزینه‌های اضافی بر دوش نظام آموزشی و دولت بکاهد تا به پرورش جامعه‌ای پویا و رشد یافته کمک کند.

سوالات پژوهش

- ۱- آیا سبک مطالعه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز قادر به پیش‌بینی سطوح هوش اجتماعی این دانش‌آموزان می‌باشد؟
- ۲- آیا عملکرد تحصیلی (علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی) دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز قادر به پیش‌بینی سطوح هوش اجتماعی این دانش‌آموزان می‌باشد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز که در سال تحصیلی ۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. چون حجم کل جامعه مورد مطالعه برای محقق نامعلوم بود، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و درصد خطای $d = 0.07$ به طور تقریبی ۲۰۰ به دست آمد. بنابراین نمونه آماری پژوهش حاضر متشکل از ۲۰۰ نفر بود که نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. به این صورت که از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز، ناحیه ۲ و ۴ به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر ناحیه دو دبیرستان متوسطه دوم پسرانه و دو دبیرستان متوسطه دوم دخترانه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد و از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. در مجموع ۸ کلاس به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. جدول زیر حجم نمونه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. اطلاعات آماری مربوط به حجم نمونه

نام دبیرستان	جنسیت	ناحیه	تعداد
مدرسه شاهد	دخترانه	دو	۲۶
مدرسه درخشش	دخترانه	دو	۲۴
مدرسه شاهد	دخترانه	چهار	۲۷
مدرسه نرجس	دخترانه	چهار	۲۵
مدرسه توحید	پسرانه	دو	۲۴
مدرسه معارف	پسرانه	دو	۲۶
مدرسه رازی	پسرانه	چهار	۲۵
مدرسه امام	پسرانه	چهار	۲۳

خمینی

ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش

الف) پرسشنامه هوش اجتماعی

مقیاس هوش اجتماعی ترومسو توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) ساخته شده است. نسخه اصلی این پرسشنامه دارای ۲۱ ماده است اما در پژوهشی که به منظور بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران انجام شده است، سه گویه حذف شده و نسخه ۱۸ ماده ای دارای روایی و پایایی مناسبی گزارش شده است (رضایی، ۱۳۸۹). سیلورا و همکاران (۲۰۰۱) ضریب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ محاسبه نمودند. آنان پایایی پرسشنامه برای زیرمقیاس‌های اطلاعات اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۸۶ گزارش نمودند. این پرسشنامه دارای ۲۱ سؤال بوده و هدف آن سنجش هوش اجتماعی افراد و خرده مقیاس‌های آن (خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)، خرده مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)، خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS)) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت با هفت درجه از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. در پژوهش رضائی (۱۳۸۹) پس از تأیید روایی صوری مقیاس، پایایی آن یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. مقدار آلفای کرونباخ در پرسشنامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو

بعد	آلفای کرونباخ
خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)،	۰/۷۳
خرده مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)	۰/۶۶
خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS)	۰/۶۴
کل	۰/۸۱

در این پژوهش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو به شرح زیر می باشد:

بعد	آلفای کرونباخ
خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)،	۰/۷۲
خرده مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)	۰/۷۰
خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS)	۰/۶۷
کل	۰/۸۳

(ب) پرسشنامه سبک‌های مطالعه

این پرسشنامه برای توصیف منظم شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان با تدوین شده است، طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت با پنج درجه از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. پرسشنامه رویکردهای مطالعه به وسیله مارتون و سلجو (۱۹۹۶) با ترجمه احد نویدی (۱۳۸۳) تدوین شده است که با کارهای انت و ایستل و رامسدن (۲۰۰۰) کامل تر شده است. این پرسشنامه سه رویکرد عمده را اندازه‌گیری می‌کند که هر رویکرد نیز از مقیاس‌های فرعی تشکیل شده است پایایی با روش آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۹، گزارش شده است (مارتون و سلجو، ۱۹۷۶). در این پژوهش نیز پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ در رویکرد عمیق ۰/۷۸، رویکرد راهبری ۰/۸۱ و رویکرد سطحی ۰/۸۲ و رویکرد سطحی ۰/۷۱ به دست آمد.

رویکردهای عمده و مقیاس‌های فرعی مربوط به هر یک به شرح زیر است:

۱- رویکرد عمیق: این رویکرد شامل چهار مقیاس فرعی است که برای اندازه‌گیری هر مقیاس چهار ماده اختصاص یافته است.

الف) جستجوی معنا: سؤال‌های ۴۳، ۳۰، ۱۷ و ۴ به این مقیاس اختصاص دارد.

ب) ارتباط دادن عقاید و مفاهیم به یکدیگر: این مقیاس شامل سؤال‌های ۴۶، ۳۳، ۲۱ و ۱۱ است.

ج) استفاده از مدرک و شواهد: این مقیاس سؤال‌های ۴۹، ۳۶، ۲۳ و ۹ را در برمی‌گیرد.

د) علاقه‌مند بودن به موضوعات: سؤال‌های ۵۲، ۳۹، ۲۶ و ۱۳ به این مقیاس اختصاص یافته‌اند.

۲- رویکرد راهبردی: این رویکرد شامل پنج مقیاس فرعی است که برای هر مقیاس چهار ماده اختصاص دارد.

الف) مطالعه سازمان‌یافته: مواد ۴۰، ۲۷، ۱۴ و ۱ به این مقیاس تعلق دارند.

ب) مدیریت زمان: شامل سؤال‌های ۴۴، ۱۸، ۱۳ و ۵ است.

ج) هوشیاری نسبت به ارزیابی تکالیف یادگیری مورد انتظار: مواد ۴۱، ۲۸، ۱۵ و ۲ با این مقیاس می‌پردازند.

د) پیشرفت و موفقیت: مواد ۵۰، ۳۷، ۲۴ و ۱۰ برای اندازه‌گیری این مفهوم در نظر گرفته شده است.

ه) نظارت بر اثربخشی: مواد ۴۷، ۳۴، ۲۰ و ۷ به این مقیاس تعلق دارند.

۳- رویکرد سطحی بی تفاوتی: این رویکرد شامل چهار مقیاس فرعی است که عبارت‌اند از:

الف) نداشتن هدف: که شامل سؤال‌های ۴۲، ۲۹، ۱۶ و ۳ است.

ب) حفظ کردن مطالب بی‌معنی و نامربوط: شامل سؤال‌های ۴۵، ۳۲، ۱۹ و ۶ است.

ج) التزام به سرفصل‌های برنامه درسی: شامل سؤال‌های ۵۱، ۳۸، ۲۵ و ۱۲ است.

د) ترس از شکست: شامل سؤال‌های ۴۸، ۳۵، ۲۲ و ۸ است.

ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بین ۰/۵۲ تا ۰/۷۴ گزارش شده است.

ج) پرسشنامه عملکرد تحصیلی

این آزمون برداشتی است از پژوهش‌های فام و تیلور (۱۹۹۹) که از جانب درتاج (۱۳۸۳) برای جامعه ایران ساخته شده است و دارای ۴۸ سوال است. میزان پایایی این آزمون از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برابر ۰/۷۴ به دست آمد. روایی این آزمون از طریق دو روش روایی محتوا و روایی سازه ارزیابی شد (درتاج، ۱۳۸۳). میزان پایایی هر کدام از حیطه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: عامل اول (خودکارآمدی برابر ۰/۹۲)؛ عامل (تاثیرات هیجانی برابر ۰/۹۳)؛ عامل سوم (برنامه ریزی برابر ۰/۷۲)؛ عامل چهارم (فقدان کنترل پیامد برابر ۰/۶۴) و عامل پنجم (انگیزش برابر ۰/۷۲). میزان پایایی هر یک از خرده مقیاس‌ها در این پژوهش نیز برابر است با: خودکارآمدی ۰/۷۲، تاثیرات هیجانی ۰/۷۶، برنامه ریزی ۰/۸۶، فقدان کنترل پیامد ۰/۷۳، انگیزش ۰/۷۹. برای نمره گذاری عملکرد تحصیلی از مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده می‌شود که دارای نمرات صفر تا چهار است.

پایایی پرسشنامه در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد و ۰/۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب است.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی از آزمون رگرسیون به روش ورود هم‌زمان استفاده شد که نتایج این تحلیل در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

الف: متغیرهای پیش‌بین: سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی

ب: متغیر ملاک: هوش اجتماعی

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون هوش اجتماعی برحسب سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی به روش هم‌زمان

R ²	R	F	P	t	Beta	SE	B	
۰/۳۸۵	۰/۶۲۱	۱۲/۱۰۱	۰/۰۰۹	۰/۷۷	-	۰/۷۳۰	۰/۱۲۷	(ثابت)
			۰/۰۰۶	۱/۶۶۰	۰/۳۱۲	۰/۰۱۸	۰/۳۱۷	سبک
			۰/۰۰۴	۱/۱۵۹	۰/۳۶۷	۰/۰۲۱	۰/۳۸۹	مطالعه عملکرد تحصیلی

با توجه به مقدار R² (مجذور ضریب همبستگی) بدست آمده در جدول (۳) نشان داده شد که ۳۸ درصد واریانس کل هوش اجتماعی توسط دو متغیر سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی قابل پیش‌بینی است. تحلیل واریانس روی همین مدل نیز با توجه به مقدار (P = ۰/۰۱)، $F(2, 197) = 12/101$ حاکی از معنی داری مدل کلی است. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر هوش اجتماعی، ضرایب Beta بررسی می‌شود. با توجه به جدول شماره ۳ هوش اجتماعی دانش‌آموزان توسط دو متغیر هوش هیجانی و عزت نفس پیش‌بینی می‌شود و این متغیرها دارای رابطه مثبت هستند. به‌منظور بررسی پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های سبک مطالعه از آزمون رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد تا بدین وسیله به ترتیب همبستگی بیشتر، متغیرها وارد مدل شده و اگر متغیری دارای همبستگی غیرمعنادار بود حذف شود. نتایج این تحلیل در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

الف: متغیرهای پیش‌بین: مؤلفه‌های سبک مطالعه

متغیر ملاک: هوش اجتماعی

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون هوش اجتماعی برحسب مؤلفه‌های سبک مطالعه به روش گام به گام

گام	متغیرهای پیش‌بین	Beta	t	P	R	R ²	F	df	p
اول	علاقه‌مند بودن به موضوعات	۰/۳۵	۵/۳۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۳	۲۸/۸۷	۱/۱۹۸	۰/۰۰۰۱
دوم	علاقه‌مند بودن به موضوعات	۰/۳۰	۴/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۲۰	۲۴/۵۱	۲/۱۹۷	۰/۰۰۰۱
	پیشرفت و موفقیت	۰/۲۷	۴/۲۰	۰/۰۰۰۱					
سوم	علاقه‌مند بودن به موضوعات	۰/۳۰	۴/۷۷	۰/۰۰۰۱					
	پیشرفت و موفقیت	۰/۲۳	۳/۶۰	۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	۰/۲۴	۲۰/۹۴	۳/۱۹۶	۰/۰۰۰۱
	نظارت بر اثربخشی	۰/۲۱	۳/۳۵	۰/۰۰۱					

از نتایج آزمون تحلیل واریانس گام سوم در جدول (۴) ($P < ۰/۰۱$)، $F(3, 196) = 20/94$ می‌توان استنباط کرد که بین متغیر پیش‌بین (علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی) با متغیر ملاک (هوش اجتماعی) رابطه خطی معنی‌دار وجود دارد و علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی به‌طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی هوش اجتماعی می‌باشند. مجذور ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۲۴ است، این بدان معنی است که روی هم حدود ۲۴

درصد واریانس هوش اجتماعی توسط علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی قابل پیش‌بینی است. علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. و سایر مؤلفه‌های سبک مطالعه چون تغییر معنی‌داری در ضریب تعیین ایجاد نمی‌کنند، وارد مدل نمی‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، سبک مطالعه با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. همچنین در جدول (۴) مشاهده می‌شود، ابعاد علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش گالاو و وود (۲۰۱۷)، برونک، هیل، لپسلی، تالیب و فینچ (۲۰۱۸)، وانجیرا (۲۰۱۴) همسو است. برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت زمانی که دانش‌آموزان دارای هوش اجتماعی باشند، معمولاً این دانش‌آموزان به یکدیگر نزدیک شده و کمتر یکدیگر را به خاطر نظرات مختلف و یا غیرقابل قبول سرزنش می‌کنند، این دانش‌آموزان سعی می‌کنند که ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی را برگزینند که برای رسیدن به آن‌ها تلاش و کوشش کنند که این امر منجر به علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی بین آن‌ها خواهد شد. از طرف دیگر همکاری و همیاری سایر دانش‌آموزان نیز می‌تواند در این امر دخیل باشد، ایجاد انگیزه از سوی دانش‌آموزان می‌تواند آن‌ها را برای خودکارآمدی بیشتر سوق دهد و به موفقیت بیشتری دست یابند. همچنین این دانش‌آموزان جنبه‌های مثبت زندگی و اهداف خلقت جهان و انسان را از نظر دور نمی‌دارند. از این رو، در زندگی دچار یاس و ناامیدی و خودباختگی نمی‌گردند و به احتمال کم دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند و با حوادث و رویدادهای محیط خود، به‌طور عقلانی برخورد می‌کنند و با روشن‌بینی و منطق با آن‌ها روبرو شوند و در نهایت در مواجهه با رویدادهای دشوار، استقامت و پشتکار زیادی به خرج می‌دهند و از منابع مختلف فردی و محیطی بازخوردهای مثبت می‌گیرند که آن بازخوردها به نوبه خود به‌عنوان تقویت‌کننده با قدرت دهنده به علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی عمل می‌کنند.

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، عملکرد تحصیلی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش خدای (۱۳۹۵)، کیا و حیدری (۱۳۹۵)، جارامیلو، میولکی و مارشال (۲۰۱۵)، کونراد، مینگل، وتالانو (۲۰۱۴) همسو است. برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت زمانی که دانش‌آموزان دارای هوش اجتماعی باشند، می‌تواند منجر به خودمختاری در آن‌ها شوند که این دانش‌آموزان می‌توانند فرصت‌های ارتقاء تحصیلی و غلبه بر موانع متمرکز شوند، با ابتکار و پشتکار به فعالیت بپردازند و با تلاش‌های خود موفقیت‌هایی کسب کنند و با وجود پیامدهای منفی به آسانی منصرف نمی‌شوند. این دانش‌آموزان تجربه‌های خود را در اختیار همکلاسیان خود قرار می‌دهند و برای فعالیت‌های آنان و خودشان ارزش قائل می‌شوند که می‌تواند منجر به احساس سبکی و آرامش در آن‌ها شود و هراس و نگرانی را از آنان می‌زداید. آن‌ها از هشپاری و آگاهی بیشتر و با نگرش مثبت‌تر نسبت به زندگی برخوردارند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی در آن‌ها شود. در واقع این دانش‌آموزان بیشتر می‌توانند فعالیت کنند و از انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های استرس‌زا برخوردارند که می‌تواند منجر به افزایش پیامدهای موفقیت‌آمیز و وجود چالش‌های مؤثر شود. آن‌ها بهتر می‌توانند در موقعیت‌های دشوار و ناخوشایند فعالیت کنند و صدمه‌پذیری کمتری برخوردارند و از توانایی بالایی در برابر رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارض‌ها برخوردارند و در برابر رویدادها، احساس مسئولیت و انصاف و ارزش بیشتری دارند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود. این دانش‌آموزان نسبت به توانایی علمی خود اعتماد بیشتری دارند و بهتر می‌توانند مطالب درسی را یاد بگیرند و احساس و نگرش مثبتی نسبت به توانایی‌های خود دارند و از خلاقیت بیشتری برخوردارند و بهتر می‌توانند با همکلاسیان خود ارتباط برقرار کنند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود. همچنین این دانش‌آموزان احساس می‌کنند بر سرنوشت خود کنترل دارند و با همکلاسیان خود سازگارترند و از مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند و احساس می‌کنند. این افراد احساس توانایی بالای دارند و از احساس مفید بودن و شایستگی برخوردارند که می‌تواند منجر به دقت در انجام دادن وظایف و فعالیت‌ها و در نهایت افزایش عملکرد تحصیلی شوند. به عبارتی این افراد توانایی و ظرفیت بیشتری در کلاس درس دارند و از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند و خود را مطابق با تغییرات محیطی خود وفق می‌دهند که می‌تواند فعالیت‌های درسی را به خوبی

و با موفقیت انجام دهند و بیشتر می‌توانند فعالیت کنند و به حجم کار بیشتری می‌پردازند و از کنترل بالاتری در کلاس برخوردارند و بهتر می‌توانند در موقعیت‌های دشوار و ناخوشایند کنار بیایند که می‌توانند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود.

در مسیر اجراء هر پژوهشی، محدودیت‌هایی وجود دارد و این مطالعه هم مستثنی نبوده و محدودیت‌هایی داشته از جمله: توجیه نبودن پرسنل اداره‌های آموزش و پرورش و مسئولین مدرسه به ضرورت اجراء چنین طرح‌هایی که منجر به همکاری ضعیف شد؛ همچنین بی‌دقتی‌های دانش‌آموزان هنگام پاسخ دادن به سوالات پرسشنامه که ناشی از عدم توجیه آنها درباره اهمیت پاسخ‌های آنها و همچنین عدم تقویت تغذیه‌ای آنها بعد از اتمام پاسخ‌گویی توسط گروه‌های مختلف می‌باشد. در راستای نتایج حاصل از این مطالعه نیز پیشنهادهای ارائه می‌شود تا اهداف پژوهش محقق گردد: ۱- در تولید و انتخاب کتب درسی سعی کنیم محتوای‌های مربوط به هوش اجتماعی به افزایش روحیه همکاری و فعالیت‌های دسته‌جمعی و تبع آن جامعه‌پذیر کردن هر چه بیشتر دانش‌آموزان نزدیک و نزدیک‌تر شویم؛ ۲- با برگزاری کلاس و کارگاه‌های متنوع هوش اجتماعی دانش‌آموزان را بالا ببریم تا به مرور تاثیر خود را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بگذارد.

منابع

۱. حقانی، فریبا و خدیو زاده، طلعت. (۱۳۹۴). تأثیر دوره آموزش کارگاهی مهارت‌های مطالعه و یادگیری بر راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان استعداد درخشان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۴(۹)، ۶۱-۳۹.
۲. خدای، شقایق. (۱۳۹۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال ششم مقطع دبستان شهرستان گرمسار. *کنگره بین‌المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم*، تهران: مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
۳. در تاج، فریبرز. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر شبیه‌سازی ذهنی فرآیندی و برآیندی در بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، ساخت و هنجاریابی آزمون عملکرد تحصیلی. پایان‌نامه دکترای، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). روش‌های آموزش و یادگیری. تهران: انتشارات دوران.
۵. شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. شعبانی، احمد و شفیق پورمطلق، محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه میزان آگاهی دانشجویان از شیوه‌های مطالعه، مجلات. *اطلاعرسانی و کتابداری*، ۵۴، ۵۵-۳۵.
۷. شمس اسفندآبادی، حسن و امامی پور، سوزان. (۱۳۹۴). مطالعه سبک‌های یادگیری در دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه دوره راهنمایی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و جنسیت. *نوآوری‌های آموزشی*، ۲۸-۱۱.
۸. صفوی، محبوبه؛ شوشتری، شهناز؛ محمودی، محمود و یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۰). آمادگی خود راهبری در یادگیری و سبک‌های یادگیری در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۰(۱)، ۳۶-۲۷.
۹. کیا، علیرضا و حیدری، اعظم. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان. *فصلنامه علمی-پژوهشی توسعه اجتماعی*، ۱۱(۴)، ۷۲-۵۳.
۱۰. مرادی‌مقدم، محمود. (۱۳۹۰). نگاهی به آمار نتایج امتحانات سال تحصیلی ۱۳۹۰. *پژوهش‌نامه آموزشی پژوهشکده تعلیم و تربیت*، ۷۳.
۱۱. نسیم، سعید؛ حسین، زارع؛ پورنعمت‌اله، موسی؛ سردی، محمدرضا و هرمزی، محمود. (۱۳۹۲). ارتباط راهبردهای شناختی، فراشناختی و تعاملات دانشجویان در آموزش مجازی با پیشرفت تحصیلی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۶(۴)، ۹۶-۷۳.
۱۲. Bronk, F., Hill, D., Lapsley, T., Talib, H.J., & Finch, J. (۲۰۱۸). Achievement goals in the classroom: student learning strategies and motivation processes. *Journal of educational psychology*, ۸۰, ۲۶۰-۲۶۷.
۱۳. Corkett, G. K., Parrila, R., & Hein, S.F. (۲۰۰۶). Learning and study strategies of university student who report a significant history of reading difficult. *Development Disabilities Bulletin*. ۳۴(۱&۲), ۵۷-۷۹.
۱۴. Gala, G.H., & Wood, M.A. (۲۰۱۷). The relationship between emotional intelligence and academic motivation with students' academic performance. *communication year book*, ۲۸, ۳۶-۶۸.
۱۵. Gardner, D., Fernando, H., Emily, S., & Martha L. (۲۰۱۵). Relationship between study styles with self-efficacy and academic performance. *New Directions for Adult and continuing Education*, ۶۷, ۱۹-۳۲.
۱۶. Marton, F., & Saljo, R. (۱۹۷۶). On gultitative difference in learning: ۱. Outcome and process. *British of Educational Psychology*, ۴۶, ۴-۱۱.

۱۷. Tracy MD. (۲۰۰۶) *The Relationship Between Emotional Intelligence and Job Satisfaction: Testing the Claim that Emotional Intelligence Quotient Predicts Level of Job Satisfaction* Ph.D. thesis, Capella University.

۱۸. Wanjira, M. L. (۲۰۱۴). *The Effect of Emotional Intelligence on Academic Achievement*. Unpublished thesis. Kenyatta University.

۱۹. Yip, M. C. W., & chung, O. L. L. (۲۰۰۵). Relationship of Study Strategies and Academic Performance in Different Learning Phases of Higher Education in Hong Kong. *Journal of Educational Research and evaluation*, ۱۱(۱), ۶۱-۷۰.